

## پژوهشی در تاریخ بغداد

علی محمد روحبخشان\*

نهاد آموزش اسلامی و پایگاه اجتماعی مسلمانان در پرتو تاریخ بغداد /  
دکتر منیرالدین احمد؛ ترجمه محمدحسین ساکت. - تهران: نشر نگاه معاصر،  
۱۳۸۴.

### چکیده

نویسنده در بخش درآمد کتاب، به مباحث اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی روزگار خطیب بغدادی، دیدگاههای آموزشی او، کانونهای آموزش در سده پنجم و... پرداخته است. در بخش نخست مطالبی همچون نفوذ دانش حدیث بر ادبیات زندگینامه نویسی، پایگاه و جایگاه شهر بغداد در شکل‌گیری دانشهای زمان و گسترش آنها، زندگی خطیب بغدادی و... را مورد بررسی قرار داده است. بخش دوم به مسأله آموزش اختصاص دارد و به تبیین مسائلی چون: سرآغاز آموزش اسلامی، جایگاه اسلام در امر آموزش، روش آموزش و... پرداخته است. در بخش سوم با عنوان پایگاه اجتماعی دانشمندان، مباحثی از قبیل پیوندهای دانشمندان با دولت، توده مردم با یکدیگر، وضع مالی آنها و... را توضیح داده است.

اصل کتاب، شامل یک درآمد، سه بخش و یک پیوست است، و مترجم فارسی برای تنمیم فایده، دو پیوست دیگر بر آن افزوده است.

پیوست کتاب، شامل موضوعاتی است درباره ریشه‌های نظام آموزش و پرورش اسلامی، نهاد و بنیادهای آموزشی، گردهماییهای علمی و فرهنگی.

\* عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد ورامین.

شیوه‌های تدریس و... مترجم کتاب نیز برای تکمیل فایده آن، دو پیوست بر کتاب افزوده است. عنوان نخستین پیوست «ناکامیهای سیبویه» است. در پیوست دوم، نوشته‌های ۶ تن از دانشمندان و پژوهندگان مختلف را درباره کتاب، ترجمه و نقل کرده است.

کلید واژه: تاریخ بغداد، خطیب بغدادی، آموزش در اسلام، تاریخ اسلام، نظام آموزش و پرورش اسلامی.

حدیث دانشی است که بر پایه گزارش گفتار و کردار و روش و منش (سنت و سیرت) پیامبر اسلام پدید آمده است و بنیاد آن به روزگار خود آن بزرگ می‌رسد، اما در درازنای سده‌ها ریشه‌دار و گسترده شده است. انگیزه این که دانش حدیث بر همه دانشها پیشی گرفته و ارجمندتر از همه آنها دانسته می‌شده است، این است که پیامبر اسلام نمونه تام و تمامی و والای موجود انسانی به شمار می‌رفته و همگان می‌کوشیده‌اند تا او را سرمشق و راهنما قرار دهند و در همه جا و همه چیز از او سرمشق بگیرند و این کار تنها از راه دستیابی به حدیث شدنی بوده است. از همین روست که از همان روزگار و به ویژه از همان دم که آن بزرگ از میان مسلمانان رفت، پیروان و دوستدارانش به کارگردآوری احادیث و نقل و انتقال آنها به دیگران پرداختند، و اندک اندک دانشی شکل گرفت که تا به امروز از استوارترین و گرامیترین دانشهای اسلامی بوده است.

بدیهی است که توجه به حدیث در درازنای تاریخ اسلام به یک سان نمانده و افت و خیزه‌هایی داشته است، چنان که در همان سده‌های نخستین در سراسر سرزمینهای اسلامی پیشاپیش همه دانشها جای داشته و بیشتر دانشمندان و دانشجویان به آن می‌پرداخته‌اند. در این میان بغداد که پایتخت دستگاه خلافت بود، جایگاهی ویژه داشت (همان گونه که در جهان تشیع، اصفهان، پایتخت صفویان چنان جایگاهی یافت). در اهمیت آن جایگاه همین بس که چه در آن روزگاران و چه پس از آن بسیار کتابها در آن زمینه فراهم آمده و نگاشته شده‌اند که کتاب تاریخ بغداد از مهمترین کاملترین آنهاست.

تاریخ بغداد کتابی درازدامن و پر حجم در چهارده دفتر یا جلد است که در نیمه دوم سده پنجم در گزارش زندگی و کارهای ۷۸۳۱ دانشمند حدیث گزار بغدادی (از آن میان

۳۲ زن) فراهم آمده است. اگر آغاز پیدایی و نامبرداری شهر بغداد را سال ۱۵۰ هـ. ق بگیریم و پایان نگارش تاریخ بغداد را سال ۴۵۰ هـ. ق بدانیم، می‌بینیم که این شهر در طی تقریباً ۳۰۰ سال نزدیک به هشت هزار دانشمند حدیث به خود دیده است، که از این ارقام میانگین ۲۶۰ دانشمند برای هر سال (۷/۵ دانشمند در هر ده روز) به دست می‌آید، که این نشانه کمال توجّهی است که مردم به حدیث نشان می‌داده‌اند. به همین دلیل تاریخ بغداد که گنجینه آگاهیهای پیوسته به این توجّه و روی آوری است، در خورستایش بسیار است.

در واقع «تاریخ بغداد از بسیار جهت‌ها مهم است.» (مقدمه، ص ۵۱) که از آن جمله‌اند: در برداشتن تاریخ بغداد در معنای راستین این واژه، و از این دیدگاه یکی از منابع ارجمند و اصیل هرگونه بررسی و پژوهش درباره این شهر است؛ در برداشتن گزارش زندگی و کارها و روش و منش دانشمندان حدیث که در بغداد زاده شده‌اند و یا گذارشان - به گونه گذرا یا همیشگی - به بغداد افتاده بوده است و در جای دیگر نشان و یادی از آنان نیست؛ در برداشتن شمار انبوهی حدیث از زبان همان دانشمندان و واری‌درستی یا نادرستی (صحت و سقم) آنها، که بدین سان تاریخ بغداد به گونه یکی از معتبرترین «کتب احادیث» درآمده است...

اما دستیابی به این کتاب «عظیم و حجیم» و نقل و انتقال آن کار هر کس نیست، بگذریم از این که کتاب همیشه و در همه جا یافت نمی‌شود. پس واری‌انتقادی و شناسایی و شناساندن آن کاری ضروری و شایسته است که کمتر مورد توجّه قرار گرفته است، و اگر هم کسی به این ضرورت و شایستگی پی برده بوده، کمتر توان و امکان و فرصت آن را داشته است که به این کار گرانمایه خطیر بپردازد. بدین سان کوشش دکتر منیرالدین احمد در واری‌شناساندن این اثر گرانسنگ راستی را که نه کاری است خرد.

دکتر منیرالدین احمد دانشمند و پژوهنده‌ای پاکستانی است که در آلمان درس خوانده و بررسی تاریخ بغداد را به عنوان رساله دکتری فلسفه خود در دانشگاه هامبورگ، زیر نظر برتولد اشپولدر در سال ۱۳۴۶ به پایان برده است. این رساله که به زبان انگلیسی فراهم آمده است در سال ۱۳۴۷ در زوریخ (سوئیس) به چاپ رسیده، و چند سال پیش ترجمه اردوی آن در پاکستان منتشر شده است. جای خوشوقتی و سپاسگزاری است که ترجمه فارسی آن هم به کوشش استاد محمدحسین ساکت در

سال جاری در ایران انتشار یافته است.

عنوان کامل کتاب چنین است: نهاد آموزش اسلامی و پایگاه اجتماعی دانشمندان مسلمان در پرتو تاریخ بغداد، و از یک «درآمد» و سه «بخش» و یک «پیوست» تشکیل شده است که مترجم فارسی برای تکمیل فایده دو «پیوست» دیگر بر آن افزوده است. نویسنده در مبحث «درآمد» عمدتاً به «اوضاع سیاسی و اجتماعی و فرهنگی» روزگار خطیب بغدادی نگارنده تاریخ بغداد، دیدگاههای آموزشی وی، کانونهای آموزش در سده پنجم، گرایشهای آموزشی و «اندیشه‌گری» یا «اندیشه‌ورزی» در آن سده، مرحله‌های آموزش و روشهای فراگیری و جایگاههای آموزش... در همان سده پرداخته است. وی در این چند صفحه تقریباً همه امور و نکات مربوط به آموزش در جهان اسلام در آن برهه زمانی را بررسی و تبیین کرده است و می‌توان گفت که در این زمینه با وجود نهایت ایجاز سنگ تمام گذاشته و هیچ نکته‌ای را ناگفته نگذارده است. در «بخش اول» که عنوان «دیباجه» دارد، جزئیات و کلیات مربوط به تاریخ بغداد، اصولی که نویسنده در گزینش دانشمندان به کار گرفته بوده است، نشان و نفوذ دانش حدیث بر ادبیات زندگینامه نویسی، ادبیات زندگینامه نویسی، جایگاه فرهنگهای زندگینامه نویسی در پویایی و گستردگی دانشها بویژه در تاریخنگاری اسلامی، زندگینامه نویسنده تاریخ بغداد و پایگاه و جایگاه شهر بغداد در شکل‌گیری دانشهای زمان و گسترش آنها... گفت و گو شده است.

آنچه تا این جا به بحث و بیان درآمده است به معنای واقعی کلمه همان «درآمد» و «دیباجه» است، و از «بخش دوم» به بعد است که نفس آموزش مورد توجه و بررسی قرار گرفته است. در این بخش، که گزارش تفصیلی زندگی خطیب بغدادی است، با این مباحث آشنا می‌شویم: معلم سرخانه، نخستین سماع، نخستین سفر علمی، روایت حدیث، دومین سفر علمی، جایگاه سترگ خطیب بغدادی در بغداد، حج، تدریس در «جامع منصور»، دشواریهای بغداد، سفر به دمشق، بازگشت به بغداد، و نشان زرف بغدادی بر جهان دانش.

درواقع این محدث دانشمند و پژوهنده کوشا و خستگی‌ناپذیر که به «خطیب بغدادی» آوازه‌مند شده است، علی بن ثابت نام داشته است که در ۲۴ جمادی الآخر ۳۹۲ هـ. ق در غزیه نزدیک قیّد در عراق زاده شده، و چون پدرش امام جماعت و خطیب شهر در زیجان در نزدیک بغداد بوده، به آموزش و پرورش فرزند خود اهتمام

داشته و او را از کودکی به معلم سرخانه سپرده بوده است. خطیب در یازده سالگی آغاز به «سماع» حدیث کرد و چند سال بعد به فقه پرداخت و در کار حدیث آموزی و حدیث اندوزی به بیرون از بغداد سفر کرد و به ری و خراسان رفت، و در این راه چندان کوشید که در سال ۴۲۸ هـ. ق یعنی در سی و هفت سالگی شخصیتی مهم در بغداد بود. در این میان از مذهب حنبلی به مذهب شافعی درآمد و در سال ۴۴۴ هـ. ق روانه سفر حج شد. در بازگشت به تدریس در «جامع منصور» که از مهمترین پایگاههای تدریس در بغداد بود، پرداخت، اما بر اثر شورش بساسیری و دگرگونی احوال بناگیز خلافت بغداد را رها کرد و در سال ۴۵۱ هـ. ق به دمشق رفت. چندی بعد به بغداد بازگشت و در سال ۴۶۳ هـ. ق در آن جا درگذشت.

«بخش دوم» کتاب، چنانکه گفته شد، به نفس آموزش اختصاص دارد، و در آن پس از گزارش احوال بغدادی به این مباحث پرداخته شده است: اوضاع و احوال عربستان پیش از شکوفایی اسلام، پایگاه اسلام در آموزش، سرآغاز آموزش اسلامی، اسلام و دانشهای بیگانه، موضوعهای برنامه تحصیلی (واژه‌شناسی، دستور زبان، علم بلاغت، علم ادب، علم قرآن و تفسیر، قرائت قرآن، علم حدیث، فقه، علم فرایض، کلام)، روش آموزش، آموزش ابتدایی (عوامل و عناصر آن)، تحصیلات عالی (سازمان مجالس و حلقه و کلاسهای درس، جاهایی که درسها را فرامی‌گرفتند، شاگردان و استادان).

در «بخش سوم» با عنوان «پایگاه اجتماعی دانشمندان» این مباحث طرح و بررسی و تبیین شده‌اند: طبقات اجتماع، پیوندهای دانشمندان با توده مردم، پیوندهای دانشمندان با یکدیگر (انگیزه‌های کینه و کشمکش و دشمنی، سرشت علمی اختلافها)، پیوندهای دانشمندان با دولت، وضع مالی دانشمندان.

«آموزش و پرورش اسلامی پیش از برپایی مدرسه» [به شکل امروزی و طبعاً به تقلید از شیوه‌های رایج در فرنگ] موضوع «پیوست یکم» کتاب است که در آن به این نکات و مباحث پرداخته شده است: ریشه‌های نظام آموزش و پرورش اسلامی، تکاپوی آموزشی در روزهای آغازین اسلام، نهادها و بنیادهای آموزشی، گردهماییهای علمی / فرهنگی (مجلس و حلقه)، حضور دانشجویان بر سر درسها و کار «مستملی» (املا کننده)، سن آغاز تعلیم، طول مدت تحصیل استادان، آزمونها، گواهیهای سماع، اجازه، رحله، خان (سرا)، مسجد، آرامگاه، خانقاه، کتابخانه، دارالعلم، علوم اوائل (علوم یونانی و پیش از اسلام)، دانشهای مسلمانان، تدریس و روشهای آن،

زبان و هزینه تحصیل و تدریس. این «پیوست» در واقع صورت تکمله دارد و مخصوصاً مندرجات فصلهای «درآمد» و «دیباچه» را تکمیل می‌کند، و از دید نویسنده حکم «خاتمه» کتاب را دارد.

اما مترجم برای تنظیم فایده پیوستی با عنوان «ناکامیهای سیبویه» بر کتاب افزوده است، و این کار دو انگیزه دارد: نخست این که قضیه «درگیری و کشمکش» سیبویه با کسانی که با یک «مناظره» صورت جدی و کامل یافت، در کتاب به گونه‌ای اجمالی به میان آمده است، و روشن کردن کم و کیف جزئیات آن ضروری بوده است. دوم این که سیبویه در عالم علم در زمینه نحو نوآوری کرده و با نگارش الکتاب طرحی نو افکنده است. در اهمیت این کتاب همین بس که سیبویه آرای ۸۵۸ دانشمند پیش از خود را در آن گرد آورده و بررسی و تحقیق و رد یا تأیید کرده است.

مترجم برای نشان دادن ارزش و اهمیت نهاد آموزش اسلامی در «پیوست سوم» ترجمه نوشته‌های تبیینی و انتقادی شش تن از دانشمندان و پژوهندگان مختلف را درباره این کتاب نقل کرده است: آنه ماری شیمل (آلمان)، آصف علی اصغر فیضی (هند)، پروفیسور بایارد داج (آمریکا)، دکتر محمد صغیر حسن معصومی (پاکستان)، استاد کونزینوسکی (آلمان)، هانس گوتشالک (اتریش)، که همه آنها بر تازگی و اهمیت و ارزش کتاب تأکید کرده‌اند.

کتاب با یک «کتابنامه» مفصل (۱۵ صفحه) و «نمایه» عام به پایان می‌رسد. آموزش در اسلام، سابقه، دامنه، ارزش و اعتبار بسیار داشته است که گاه در دفترها و رساله‌های مستقل به آنها پرداخته شده و گاه در متون مختلف علمی، تاریخی، ادبی و مانند اینها مورد اشاره و بحث قرار گرفته است. کتاب تاریخ بغداد از دسته کتابهای گروه دوم است که محور اصلی آن، از رهگذر گفت‌وگو درباره دانشمندان حدیث از چگونگی آموزش در اسلام و ماهیت و کیفیت آن بحث شده است، و از این دیدگاه منبعی پرارج و گرانسنگ به شمار می‌آید، اما چنانکه گفته شد دسترسی به آن برای همگان دشوار و حتی ناممکن است. لذا تحقیق فی الواقع جامع و مانع دکتر منیرالدین احمد با ارائه نهاد آموزش اسلامی خدمتی بزرگ و ارزشمند و درخور قدردانی و سپاسگزاری است. بدیهی است نقش استاد محمدحسین ساکت که کمر همت به ترجمه آن، بر میان بست و ترجمه‌ای شایسته و دقیق به جامعه کتابخوان فارسی زبان عرضه کرده به همان اندازه درخور حق شناسی و سپاسگزاری است.